

توضیح یک باستان شناس درباره مجسمه نصب شده در میدان انقلاب

چه کسی مقابل شاه ساسانی زانو زد؟



گزارش

مریم جلیلووند

گروه زیست بوم

رونمایی از مجسمه شاپور اول در میدان انقلاب تهران، بار دیگر اهمیت بهره‌گیری از نظر کارشناسان در استفاده از المان‌های تاریخی را نمایان ساخت. این مجسمه که با استقبال از توجه به نمادهای ملی رونمایی شد، به‌دلیل اشتباه در شناسایی شخصیت‌های تاریخی، با واکنش‌های

گسترده‌ای مواجه شد. شهرداری تهران در مراسم رونمایی، این اثر را نماد تسلیم والربین، امپراطور روم در برابر شاپور اول ساسانی معرفی کرد، درحالی‌که به گفته یک باستان‌شناس، این نقش برجسته در حقیقت به تسلیم فیلیپ عرب، سردار رومی در برابر شاه ساسانی بازمی‌گردد. میلاد وندایی، باستان‌شناس دوره ساسانی، دراین‌باره تأکید کرد: «توجه به نمادهای تاریخی برای تقویت هویت ملی امری ارزشمند است، اما بهره‌گیری از نظر متخصصان می‌تواند از بروز چنین اشتباهاتی پیشگیری کند.»

رونمایی از مجسمه شاپور اول ساسانی در میدان انقلاب تهران که ساخت آن برگرفته از نقش برجسته نقش رستم است اعلام کرد: «مجسمه والربین و برگزاری این مراسم باشکوه پیامی از مقاومت، ایستادگی و برجسته‌سازی از نقاطی از تاریخ است که بزرگان ما با قدرت و نجابت خود دشمنی‌ها را از ایران دور کردند.» او در بخش‌های مختلف اظهارات خود بارها نام والربین را برای تبلیغ مجسمه شاپور اول ساسانی تکرار کرده است. در حالی‌که این اثر هیچ ارتباطی به والربین قیصر روم ندارد.

میلاد وندایی باستان شناس دوره ساسانی و نویسنده کتاب «شاهان برسنگ» که در کتاب خود به معرفی نقش برجسته‌های ساسانی ایران از جمله نقش برجسته شاپور اول در نقش رستم پرداخته است در گفت‌وگو با اپلنا دلیل اشتباهات صورت گرفته در معرفی رویدادهای تاریخی را در ناآشنایی با تاریخ واقعی و دقیق کشور و رفتارهای هیجانی می‌داند و می‌گوید: «از همان ابتدای جنگ ۱۲ روزه و پس از پایان آن؛ منجر به توجه مردمی به گذشته تاریخی ایران در طول جنگ و پس از آن و در نهایت بروز یک هیجان ملی دوره‌ای در کشور شد که بسیار هم طبیعی است.»

یک کلیدواژه ملی

این باستان شناس افزود: «وقتی کشور مورد تجاوز یک کشور بیگانه بویژه کشوری که سال‌ها با آن مشکل دارد واقع شد، ملی‌گرایی و جمع شدن حول یک محور اصلی‌که کلیدواژه آن ایران است رخ داد.» نویسنده کتاب «شاهان بر سنگ» که به معرفی نقش برجسته‌های دوره ساسانی ایران پرداخته است افزود: «الان شاهد این هستیم برخلاف سال‌های گذشته که توجه خاصی به تاریخ پیش از اسلام نمی‌شد، توجه بیشتری به تاریخ گذشته می‌شود. این اتفاق بسیار خوشحال‌کننده است و باید این موضوع را به فال نیک گرفت. چون نشان‌دهنده تلاش برای ایران دوستی است.»

سردار شکست خورده کی بود؟

فیلیپ عرب‌زاده روستایی در سوریه امروزی بود که بعدها به سپاه روم پیوست و علیه ایران ساسانی لشکر کشید اما شاپور اول چنان شکستی به او تحمیل کرد که فیلیپ ناگزیر به زانو زدن پیش شاه ساسانی شد و از او تقاضای بخشش کرد. این ماجرا چندین دهه پیش از به اسارت درآمدن والربین قیصر روم رخ داده بود که در سودای شکست دادن شاه ساسانی به ایران لشکر کشید و او هم همچون «فیلیپ عرب» اسیرشاپور اول شد و تا پایان عمر در اسارت ماند.

علیرضا زاکانی شهردار تهران در مراسم

میلاد وندایی با تأکید بر اینکه تبلیغات حاکمیتی در چنین فضایی می‌تواند مردم را به سمت آشنایی بیشتر با تاریخ ایران سوق دهد گفت: «در این مسیر باید از افراد کارشناس و متخصص استفاده شود.» او به اشتباه تبلیغاتی و اظهارات نادرست درباره مجسمه شاپور اول ساسانی اشاره کرد و افزود: «توجه به نقش برجسته شاپور اول ساسانی و زانو زدن فیلیپ عرب در برابر او بسیار مهم است که البته آغاز آن در دوره پس از جنگ ۱۲ روزه با نصب بن‌این نقش برجسته در شهر شیراز بود و مجسمه آن نیز در تهران رونمایی شد.»

پیروزی شرق بر غرب

این باستان شناس دوره ساسانی گفت: «این نقش برجسته روایتگر پیروزی شرق بر غرب در دوره ساسانی است. یعنی اگر ما زمان امپراطوری ساسانی و سده سوم میلادی را به دو امپراطوری بزرگ در شرق و غرب تقسیم کنیم، رومی‌ها در غرب و ساسانی‌ها در شرق حکمرانی می‌کردند و توجه به این نماد، المان بسیار خوبی در روایت پیروزی ایرانیان و شرق بر رومی‌ها در غرب است.»

او افزود: «اگر دستگاه‌های حاکمیتی این فضا را بی‌بیرند و به سمت ملی‌گرایی خردمندانه حرکت کنند تأثیر بسیار زیادی در آشنایی مردم با میراث فرهنگی و تاریخ گذشته‌گان دارد. در این مسیر کتاب‌های

مدارس هم باید تغییر کنند.» او در پاسخ به این سؤال که جریان ایجاد شده چه تأثیری بر حفاظت از میراث فرهنگی و آثار تاریخی کشور و آشنایی بهتر مردم با تاریخ ایران دارد؟ گفت: «اگر دقت کافی در این موضوع وجود نداشته باشد، اشتباهی که در شهرداری تهران درباره مجسمه شاپور اول رخ داد و در آن نقش فیلیپ عرب را به اشتباه والربین اعلام کردند مشکلاتی ایجاد خواهد کرد؛ او تأکید کرد: «تبلیغات و اظهاراتی که درباره مجسمه شاپور اول

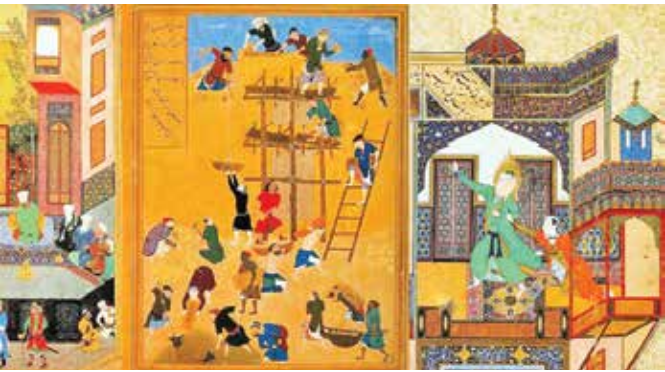
رقابت بر سر میراث مشترک؛

افغانستان در تدارک ثبت «بهزاد» در یونسکو

گفت: «بیاپید مشترک ثبت کنیم.» گفتیم چه بهتر. ریاب می‌تواند به سرانجام ۲۰ با ۳۰ کشور برسد، «عود» هم همین‌طور. اینها به کاهش تنش‌های سیاسی و به افزایش فرهنگ اجتماعی ما کمک می‌کند. ما باید کمی نگاه‌مان را تغییر دهیم؛ همان‌طور که عرض کردم، میزان تأثیرگذاری ما محدود است.»

ایزدی این توضیح را اضافه کرد: «افغانستان می‌تواند ذیل پرونده ما (نقاشی ایرانی) بگوید این سبک و سیاق در افغانستان هم رواج دارد. اما آنچه متعلق به ایران است، بهزاد با آن شکل و شمایل و ویژگی‌ها، بدون نام ایران نمی‌تواند ثبت شود. همان‌طور که خط نستعلیق بدون ایران معنا ندارد، اما اگر بخواهیم خط ثلث را ثبت کنیم، باید برویم سراغ عراق و عربستان و نظر آنها را بگیریم، و اگر روزی عربستان بخواهد نستعلیق را ثبت کند، باید بیاپید سراغ ایران. اینها

خبرنگار به من زنگ زد و گفت: «عربستان گلاب محمدی را ثبت کرده.» گفتیم اولاً «گلاب» کاملاً فارسی است و عربستان اصلاً گلاب ندارد! دوم اینکه مگر عربستان گل محمدی دارد که بخواهد آن را ثبت کند؟ اما چه حجم عجیبی از واکنش‌ها ایجاد شد! شاید برای من و شما یک محصول باشد، اما برای کاشانی، حیثیت است، برای روستای خاوه در استان مرکزی حیثیت است. نمی‌شود با اطلاعات غلط چنین آشوبی ساخت و ما هم بدویم اصلاح کنیم.» او ادامه داد: «مثلاً ما می‌گوییم آتش‌رشته یا سالاد شیرازی. سالاد شیرازی در ذائقه همه ما معنی دارد. اما همین سالاد را در اینترنت جست‌وجو کنید، هزار نسخه می‌بینید. هر کسی می‌تواند آن را بر اساس سلیقه خود با مستنداتِ نگویید مال کشور من است. درست است، این را نمی‌توان نادیده گرفت. در خصوص بحث نقاشی هم، ما



همه تفاسیر و قواعدی دارد که باید پای میز مذاکره حل شود. یونسکو هم به‌هیچ‌وجه دنبال ایجاد تنش نیست.» او در پاسخ به این سؤال که آیا ایران برای اجلاس پیش‌رو در یونسکو پرونده مشترک خواهد داشت، گفت: «آینه‌کاری» که برای ما مثل نوروز فوق‌العاده اهمیت دارد، به‌صورت مستقل ارائه شده است. اگر کشوری ادعا دارد، باید شواهد و مستندات ارائه کند. اما در دستور کارمان پرونده‌هایی مربوط به آیین‌ها و رسوم دیگر است، مانند پرونده «گلاب» که علاقه‌مندیم با آیین‌ها و مناسک همراه آن به صحن یونسکو ببریم. درباره پرونده‌های مشترک نیز روی پرونده «مضیف» با عراق، قهوه و جشن‌های دوازده‌گانه مشغول هستیم، برای اواخر دی‌ماه در تلاشیم که دو سه پرونده دیگر هم به سرانجام برسد و در زمان مناسب ارائه شوند؛ مانند «ماهگیری در خلیج فارس» و «مضیف» با عراق.»

گزارش

در پی پیشنهاد افغانستان برای ثبت «نقاشی میناتور کمال‌الدین بهزاد» در یونسکو، مدیرکل دفتر ثبت آثار تاریخی تأکید کرد: «میراث فرهنگی این منطقه ریشه‌های مشترک دارد و ثبت آثار تنها به مذاکره و توافق بین کشورها امکان‌پذیر است.» علیرضا ایزدی در گفت‌وگو با ایسنا افزود: «نقاشی ایرانی قبلاً به نام ایران ثبت شده و اگر افغانستان بخواهد مکتب بهزاد را ثبت کند، باید رضایت ایران را بگیرد.» علیرضا ایزدی گفت: «یک خواهش همیشگی از دوستان مجموعه آموزش و پرورش دارم، شما موظف و مکلف به فرهنگ‌سازی هستید، ما هم یک میزان توان داریم. اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی من و رسانه، بخش بسیار ناچیزی از گستره جغرافیایی این سرزمین را دربر می‌گیرد، اما به هر حال، کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو به هیچ‌وجه موضوع مالکیت را مطرح نمی‌کند. درست است؛ شما می‌توانید بگویید، فرش واقعاً خاستگاهش سرزمین ماست. من هم نمی‌گویم این جغرافیای یک‌میلیون و ششصد و چهل‌وهشت هزار کیلومتر مربعی، بلکه منظوم جغرافیای فرهنگی ایران است.»

او افزود: «واقعیت این است که بخش زیادی از میراث فرهنگی در این منطقه ریشه‌های مشترک دارد و کشورهایی مثل ایران، افغانستان و تاجیکستان در یک حوزه تمدنی گسترده شکل گرفته‌اند. بنابراین طبیعی است بسیاری از عناصر فرهنگی بین این سرزمین‌ها مشترک باشد. اما در شرایط امروز نمی‌توان برای این میراث «مالکیت مطلق» تعریف کرد. مثلاً شما نمی‌توانید بگویید فرش فقط و فقط متعلق به یک کشور است. ممکن است در قندوز افغانستان طرح و پیشینه‌ای ارائه شود که با نقوش ترکمنستان یا بخش ترکمن‌ها شباهت داشته باشد. این شباهت‌ها نشانه همان پیوند تاریخی است و باید برای آن احترام قائل شد.»

مدیرکل دفتر ثبت آثار تاریخی و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی در ادامه گفت: «فقیه گل محمدی هم همین است. در ترکیه به آن «اسپارتا» می‌گویند، در عربستان «زُر طائف»، نمی‌دانم چرا برخی اندکی دانش و فهم پیدا نمی‌کنند تا بدانند چه چیزی را بر زبان جاری می‌سازند. باید مردم ما هم متوجه شوند.» یک‌بار یک



بخش و...

است. اعتقاد اهالی عباس‌آباد براین است که هنگام سرماخوردگی تنها درمان سریع‌العمل سرور لقری است، غذایی ششیه به سوپ با طعم و مزه‌ای منحصر به فرد به واسطه ترکیب مواد مغذی با یکدیگر زینت‌بخش دوره‌های اهالی این منطقه است. کوفته زیر برنجی که برخی آن را کوفته زیر شام می‌نامند و به گفته ریش سفیدان و کهنسالان در زمان‌های قدیم که گوشت و برنج با مزارت تهیه می‌شده غذایی را در اعیاد یا تعطیلات و به ندرت طبع می‌کردند تا با خوردن آن تمام سختی‌ها و مشقت‌های پیشین خود را برای لحظاتی از یاد ببرند. اطعمه‌ای متشکل از گوشت، سیب‌زمینی، زرشک، برنج و ادویه‌های مخصوص را در هاون ریخته و با پودیدن آن را به صورت کوفته‌هایی به بزرگی مشت یک‌فرد بالغ تبدیل می‌کردند و در انتهای قابلمه قرار داده و روی آن برنج می‌ریختند و منتظر می‌ماندند تا آماده سرو شود، شاید گوشت کباب شده در رتبه دو پرونده با شماره ثبت ۳۳۰۲ و ۳۳۰۳ در تابستان ۱۴۰۴ کام اهالی عباس‌آباد را شیرین کرد، لقری غذایی که متشکل از نخود، لوبیا، گندم و گیاهی خودرو به نام کما است؛ کما که دارای خواصی چون بهبود عملکرد گوارش، بهبود سیستم تنفسی، آرام

محلی بازگردد.

